



4
Vol. 5
Winter 2024

Future research of the discourse of Kurdish nationalism in Iran

Reza Rezaei¹ | Gurban Ali Gurbanzadeh² | Hakem Ghasemi³ | Seyyed Abbas Hashemi⁴

Research Paper

Received:
12 October 2024
Revised:
08 November 2024
Accepted:
12 December 2024
Published:
21 December 2024
P.P: 136-166

ISSN: 2008-3564
E-ISSN: 2645-5285



Abstract

For about a century, Kurdish nationalists have been fighting against their respective governments with the aim of forming Greater Kurdistan. They try to hide the existence of various "oppositions" and "othernesses" between themselves and the people of Kurdistan, with a nationalist point of view, to place them in a chain of equivalence and a single discourse. In this way, the "self" of the Kurds is imagined in front of the "other" of the central governments. The result of this idea will be nothing but the belief in the necessity of Kurdish independence and the formation of a unified government. This is despite the fact that the Kurds, like other ethnic and linguistic groups, have different ethnic, religious, racial, ideological and even linguistic divisions. The main question of the current research is that considering the existence of these gaps, is the formation of Greater Kurdistan feasible in the future or not? In response to this question, the hypothesis is raised that due to the existence of various social divisions among the Kurds, this goal is unrealizable. The present article, together with the analysis of this issue, aims to investigate the possibility of realizing the ideal of Greater Kurdistan. The findings of the research indicate that regardless of international and national obstacles, at the sub-national level, various divisions among the Kurdish ethnic groups have prevented them from being placed in an equivalence chain from the past until now, and the existence of this In the future, the factor will also prevent the realization of the ideal of the formation of Greater Kurdistan. The data analysis of the present research was done using the discourse analysis method of Ernesto Laclau and Chantal Mouffe. Library-document tools were also used in data collection and analyzed by descriptive-analytical.

Keywords: Kurdistan, nationalism, discourse, social gaps, equivalence chain.

1. PhD student in political science at Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran.
Email: Rezarezaei7957@gmail.com
2. corresponding author: Associate Professor of Political Science, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran.
Email: ghorbantzadeh@soc.ikiu.ac.ir
3. Associate Professor of Political Science, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran.
Email: ghasemi@ikiu.ac.ir
4. Assistant Professor of Political Science, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran.
Email: hashemi@ikiu.ac.ir

Cite this Paper: Rezaei, R & Gurbanzadeh, Gh.A & Ghasemi, H & Hashemi, S.A(2024). Future research of the discourse of Kurdish nationalism in Iran. *Future Studies of the Islamic Revolution*, 4(5), 136–166.

Publisher: Imam Hussein University

© **Authors**



This article is licensed under a [Creative Commons Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/) (CC BY 4.0).

آینده پژوهی گفتمان ناسیونالیسم کردی در ایران

رضا رضایی^۱ | قربانعلی قربانزاده^۲ | حاکم قاسمی^۳ | سیدعباس هاشمی^۴

۴

دوره پنجم
زمستان ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۲۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۸/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۲۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

صص: ۱۶۶-۱۳۶

شاپا چاپی: ۴۵۲۸-۲۰۰۸

الکترونیکی: ۲۶۴۵-۰۷۲۲



چکیده

حدود یک قرن است که ناسیونالیست‌های کرد با هدف تشکیل کردستان بزرگ به مبارزه با حکومت‌های متبوع خود می‌پردازند. آنها سعی می‌کنند تا ضمن کتمان وجود «صدیت» و «غیریت»‌های گوناگون در میان خود و مردم کردستان، با دیدگاهی ناسیونالیستی، آنها را در یک زنجیره هم‌ارزی و گفتمان واحد قرار دهند. به این ترتیب، «خود» کرد در مقابل «دیگری» حکومت‌های مرکزی تصور می‌شود. نتیجه این تصور چیزی جز اعتقاد به وجوب استقلال کردها و تشکیل حکومت واحد نخواهد بود. این در حالی است که کردها نیز همچون دیگر گروه‌های قومی و زبانی دارای شکاف‌های مختلف قومی، مذهبی، نژادی، ایدئولوژیکی و حتی زبانی بوده و هستند. پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که با توجه به وجود این شکاف‌ها آیا تشکیل کردستان بزرگ در آینده قابل تحقق است یا خیر؟ در پاسخ به این سؤال، این فرضیه مطرح می‌شود که با توجه به وجود شکاف‌های مختلف اجتماعی در بین کردها، این هدف غیرقابل تحقق است. نوشتار حاضر همراه با واکاوی این مسئله، در صدد بررسی قابلیت تحقق آرمان کردستان بزرگ است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که فارغ از موانع بین‌المللی و ملی، در سطح فروملی شکاف‌های مختلف در بین اقوام کرد از گذشته تا کنون مانع از قرار گرفتن آنها در یک زنجیره هم‌ارزی شده است و وجود این عامل در آینده نیز مانع از تحقق آرمان تشکیل کردستان بزرگ خواهد شد. بررسی داده‌های پژوهش حاضر با استفاده از روش تحلیل گفتمان ارنستو لاکلائو و شانتال موفه انجام گرفته است. در جمع‌آوری داده‌ها نیز از ابزار کتابخانه‌ای- اسنادی استفاده شده و به روش توصیفی- تحلیلی مورد واکاوی قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: کردستان، ناسیونالیسم، گفتمان، شکاف‌ها اجتماعی، زنجیره هم‌ارزی.

۱. دانشجوی مقطع دکتری علوم سیاسی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

Email: Rezarezaei7957@gmail.com

۲. نویسنده مسئول: دانشیار، علوم سیاسی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

Email: ghorbanzadeh@soc.ikiu.ac.ir

۳. دانشیار، علوم سیاسی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

Email: ghasemi@ikiu.ac.ir

۴. استادیار، علوم سیاسی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

Email: hashemi@ikiu.ac.ir

استناد: رضایی، رضا و قربانزاده، قربانعلی و قاسمی، حاکم و هاشمی، سیدعباس (۱۴۰۳). آینده پژوهی گفتمان ناسیونالیسم کردی

در ایران، نشریه علمی آینده پژوهی انقلاب اسلامی، ۴(۵)، ۱۶۶-۱۳۶.

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.27173674.1403.5.1.1.3>

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع) © نویسندگان



این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه و بیان مسئله

«عبدالرحمن قاسملو» دبیرکل سابق حزب دمکرات کردستان ایران در کتاب «چهل سال مبارزه در راه آزادی» می‌نویسد: «تأسیس حزب دمکرات کردستان نقطه عطفی در تاریخ مبارزات ملت کرد و سرآغازی برای تشکیل یک سازمان و حزب سیاسی مترقی و مدرن بود. زیرا قبل از حزب دمکرات در تمام تاریخ ملت کرد حزبی آنچنان مترقی و دارای برنامه‌ای مدون تشکیل نشده بود. به همین دلیل حزب دمکرات از همان آغاز، حمایت تمامی اقشار جامعه‌ی کردستان را به سوی خود جلب کرد (قاسملو، ۲۰۰۰: ۲۹)». مفاهیمی همچون «کردها»، «ملت کرد»، «خلق کرد» و مفاهیم کلی دیگری از این دست، به وفور در گفته‌ها، نوشته‌ها و دیگر آثار ناسیونالیست‌های کرد یافت می‌شود. از نظر آنها اقوام کرد ضمن آگاهی از تمایز هویتی خویش نسبت به دیگر اقوام ساکن در کشورهای متبوع‌شان، در یک مبارزه مداوم برای رسیدن به استقلال، جدایی از کشورهای چهارگانه ترکیه، عراق، ایران و سوریه و تشکیل کردستان واحد، به سر می‌برند. ناسیونالیست‌های کرد بدون توجه به شکاف‌های اجتماعی فعال در میان اقوام و گروه‌های مختلف در کردستان، آنها را در یک زنجیره هم‌ارزی قرار داده و قائل به انسجام و یکپارچگی‌شان در قالب یک گفتمان ناسیونالیستی هستند. این نوع نگاه به مردم کرد زبان، تفاوت‌های موجود در میان آنان را نادیده می‌گیرد و سعی می‌کند تا آنها را در یک هویت منسجم قرار دهد. علیرغم ادعای ناسیونالیست‌های کرد، نه تنها همگونی و اتحادی در بین احزاب و گروه‌های مختلف کرد وجود ندارد، بلکه اختلافات عمیقی نیز بین آنها وجود دارد که در موارد متعددی به درگیری و جنگ‌های خونین کشیده شده است. برطرف کردن مشکلات ناشی از فعالیت ناسیونالیست‌های کرد تنها از راه شناخت صحیح چگونگی به وجود آمدن آن ممکن است؛ عواملی که باعث مساعد شدن شرایط فعالیت اقلیت محدودی از مردم کرد در جهت پیگیری خواسته‌های غیرقانونی‌شان می‌شود. بدیهی است که با شناخت این عوامل می‌توان گام‌های موثری در جهت برطرف کردن مشکل برداشت و در نهایت، محیطی سالم و به دور از هیاهوی تجزیه‌طلبی در کشور پدید آورد. در واقع کردها نیز همانند هر هویت قومی دیگری یک گروه قومی ناهمگون، متکثر و دارای شکاف‌های اجتماعی مختلف هستند.

این شکاف‌ها از گذشته تا کنون باعث عدم اتحاد ناسیونالیست‌های کرد شده است. بنابراین، مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که آیا می‌توان با وجود این شکاف‌ها در آینده به اتحاد همه کردها و تشکیل کردستان بزرگ معتقد بود؟

مبانی نظری پژوهش

پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش تحلیل گفتمان^۱ به واکاوی داده‌ها خواهد پرداخت. واژه گفتمان یکی از مفاهیم مبهم در علوم انسانی است و به همین دلیل نیز تعاریف متعددی برای آن ارائه شده است. آنچه در پژوهش حاضر مدنظر است، روش تحلیل گفتمان ارنستو لاکلاو^۲ و شانتال موفه^۳ است. آنها در کتاب «هژمونی و راهبرد سوسیالیستی» گفتمان را مجموعه معنی‌داری از علائم و نشانه‌های زبان‌شناختی و فرازبان‌شناختی می‌نامند (تاجیک، ۱۳۸۳: ۲۱). این کتاب از طریق بازنگری در افکار اندیشمندانی همچون مارکس، گرامشی، آلتوسر، فوکو، سوسور و دریدا روش جدیدی برای گروه‌های چپ در مقابل سرمایه‌داری و نئولیبرالیسم فراهم می‌کند. گفتمان در اندیشه لاکلاو و موفه، مجموعه‌ای از اصطلاحات است که به شیوه معناداری به هم متصل شده‌اند. آنها با استفاده از نظریه میشل فوکو، نظریه گفتمان را به همه امور اجتماعی و سیاسی تعمیم می‌دهند و تلاش می‌کنند، با استفاده از آن جامعه معاصر را تحلیل کنند. نظریه‌ی گفتمان با نقش معنادار رفتارها و ایده‌های اجتماعی در زندگی سیاسی افراد سروکار دارد. این نظریه به تحلیل شیوه‌ای می‌پردازد که طی آن سیستم‌های معانی، فهم مردم از نقش خود در جامعه را شکل می‌دهند و بر فعالیت آنها تأثیر می‌گذارند (مارش و استوکر، ۱۳۹۰: ۱۹۵).

نظریه گفتمان، می‌تواند به عنوان روش مورد استفاده قرار گیرد و پژوهشگران را در سامان دادن به پژوهش‌های خود یاری کند. روش عبارت است از: مجموعه شیوه‌ها و تدابیری که برای شناخت حقیقت و برکناری پژوهشگر از لغزش به کار می‌رود. اگر گفتمان را به مثابه روش به کار بگیریم، ابتدا باید به پیش‌فرض‌های آن از جمله گسست گفتمان‌ها و رد تحولات تک‌خطی تاریخی و نفی جوهرگرایی توجه کنیم. در مرحله بعد، گفتمان مسلط و گفتمان یا گفتمان‌های غیر مسلط، دال

1 Discours analysis

2 Ernesto Laclau

3 Chantal Mouffe

مرکزی و عناصر و وقته‌های هر گفتمان شناسایی می‌شوند (حقیقت، ۱۳۸۵: ۶۲۴). نظریه گفتمان لاکلائو و موفه بدون توضیح چند مفهوم اصلی در آن قابل فهم نیست. بنابراین، در ادامه به توضیح مفاهیم اصلی در نظریه گفتمان پرداخته می‌شود.

مفصل بندی

به گردآوری اجزاء و عناصر مختلف و همچنین ترکیب آنها در یک هویت جدید، مفصل بندی^۱ می‌گویند (مارش و استوکر، ۱۳۹۰: ۲۰۲). گردآوری اجزاء موجب به وجود آمدن یک نظام معنایی می‌شود که از آن به عنوان گفتمان یاد می‌شود. در واقع، مفصل بندی مانند به کار بردن مصالح (دال‌های شناور) در یک سازه (گفتمان) است که باعث به وجود آمدن ارتباط بین اجزای مختلف یک گفتمان می‌شود. در پژوهش حاضر مفاهیمی همچون ملیت کرد، نژاد، زبان، استقلال طلبی و... در ارتباط با هم قرار می‌گیرند و مفصل بندی می‌شوند.

دال مرکزی

دو مفهوم «دال» و «مدلول» نقش بسیار مهمی در تعریف نظریه‌ی گفتمان دارند. دال، اشخاص، اشیاء، عبارات و واژه‌هایی است که بر معانی خاصی دلالت می‌کنند. معانی و مفاهیمی که دال بر آنها دلالت می‌کند، مدلول نامیده می‌شود. مثلاً با دیدن رد پا بر روی زمین متوجه می‌شویم که رهگذری از این مسیر عبور کرده است. در این نمونه جای پا، دال و رهگذر، مدلول است. لازم به ذکر است که اهمیت دال‌های موجود در گفتمان‌ها به یک اندازه نیست، بلکه همواره یکی از آنها به عنوان مهمترین دال در درون گفتمان خودنمایی می‌کند؛ دالی که سایر دال‌ها در حول محور آن جمع می‌شوند، به سبب اهمیت بالای آن، دال مرکزی^۲ نامیده می‌شود. این دال همانند عمود خیمه است که با کشیدن آن، کل خیمه فرو می‌ریزد (کسرایبی و پوزش شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۴۴). دال مرکزی در همه گفتمان‌ها وجود دارد و هسته‌ی مرکزی آن را شکل می‌دهد. نیروی جاذبه این هسته، سایر نشانه‌ها را به خود جذب می‌کند. دال مرکزی به حالتی اشاره دارد که معنای نشانه به حالت انجماد درآمده است. به عنوان مثال، «آزادی» در گفتمان لیبرالیسم و «برابری» در گفتمان مارکسیسم، به

^۱Articulation
^۲ nodal point

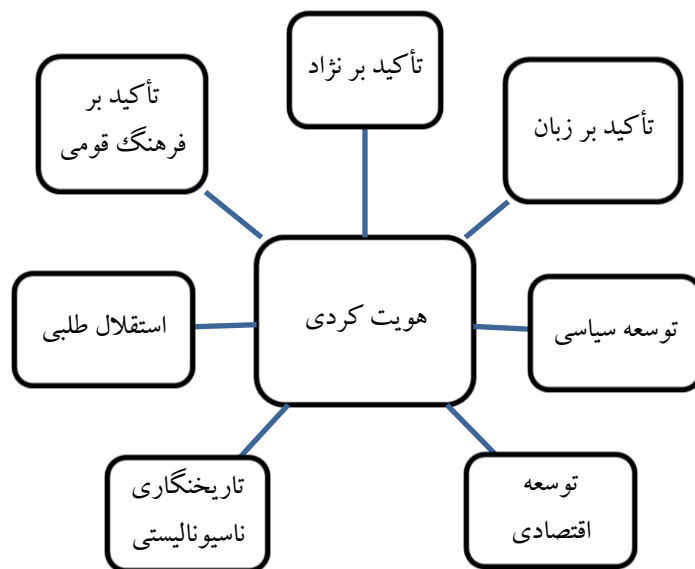
عنوان دال مرکزی در نظر گرفته می شوند. همچنین مفهوم «هویت قومی» دال مرکزی گفتمان ناسیونالیسم کردی است.

دال شناور

دال‌های کم اهمیت‌تر از دال مرکزی که حول محور آن جمع و مفصل‌بندی می‌شوند، دال شناور^۱ نام دارند. دال‌های شناور، مفاهیم و نشانه‌هایی هستند که گفتمان‌های مختلف در تلاش برای معنا بخشیدن به آنها هستند. علت شناور نامیدن این دال‌ها، غیر ثابت بودن مدلول آنها در گفتمان‌های مختلف است. به عنوان مثال، چیزی به نام «سنگ» می‌تواند در زمینه‌های مختلف، معانی گوناگونی به خود بگیرد. سنگ می‌تواند به عنوان یکی از مصالح ساختمانی در معماری مورد توجه قرار گیرد یا اینکه به عنوان یک جسم پرتاب شونده در جنگ باشد و یا اینکه به عنوان یک اکتشاف تاریخی در باستان‌شناسی تصور شود. تمام معانی و هویت‌های گوناگونی که این قطعه مادی به خود می‌گیرد، بستگی به نوع گفتمان و شرایطی دارد که به آن معنا یا هستی می‌بخشد (مارش و استوکر، ۱۳۹۰: ۲۰۱). دال‌های شناوری که در حوزه گفتمانگی^۲ قرار دارند و هنوز در یک گفتمان معین قرار نگرفته و مفصل‌بندی نشده‌اند، «عنصر»^۳ نامیده می‌شوند. عناصری که حول محور دال مرکزی قرار می‌گیرند و بخشی از گفتمان را شکل می‌دهند، «وقته»^۴ نام دارند (کسرایبی و پوزش شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۴۵ - ۳۴۶). همانگونه که در شکل زیر مشاهده می‌شود، عناصری همچون استقلال‌طلبی، تأکید بر زبان، تأکید بر نژاد، تأکید بر فرهنگ قومی، تاریخنگاری ناسیونالیستی و ... در گفتمان ناسیونالیسم کردی مفصل‌بندی می‌شوند.

1 Floating signifier
2 Field of discoursivity
3 element
4 Moment

شکل ۱) اجزای گفتمان ناسیونالیسم قومی (یافته پژوهش)



ضدیت، غیریت و هم‌ارزی

یکی از شرایط امکان گفتمان، وجود «ضدیت»^۱ است. هر گفتمانی تنها در ضدیت با گفتمان یا گفتمان‌های رقیب موجودیت می‌یابد. روز تنها در تعارض با شب معنا پیدا می‌کند و شب نیز بدون روز قادر به یافتن هویت خود نیست. به عبارت دیگر، ضدیت‌ها به این دلیل ایجاد می‌شوند که بدون آنها کسب یک هویت مستقل غیرممکن است (مارش و استوکر، ۱۳۹۰: ۲۰۵). در گفتمان ناسیونالیستی، هویت یک ملت به عنوان «دیگری»^۲ در مقابل دیگر هویت‌ها تعریف می‌شود. مفهوم «هم‌ارزی»^۳ در مقابل ضدیت قرار دارد. در هم‌ارزی، مفاهیم، معانی رقیب و متفاوت را از دست می‌دهند و در معنایی که توسط گفتمان ایجاد می‌شود، قرار می‌گیرند. این وضع هرگز به حذف کامل تفاوت‌ها نمی‌انجامد و همواره امکان بروز تفاوت‌ها و خروج یک مفهوم از زنجیره هم‌ارزی وجود دارد. گفتمان ناسیونالیسم کردی در تلاش است تا از طریق جذب تمام نیروها و گروه‌های کردی و قرار دادن آنها در زنجیره هم‌ارزی، خصلت‌های متمایز و تفاوت دیدگاه‌های

1 Antagonism

2 otherness

3 equivalence

آنها را به فراموشی بسپارد. هدف از پژوهش حاضر رد این ادعا و پیش‌بینی آینده ناسیونالیسم کردی است. این مسئله از جنبه شکاف‌های اجتماعی بین اقوام کرد بررسی خواهد شد.

رقابت

در تحلیل گفتمان، مبارزه برای دستیابی به هژمونی^۱ و رقابت^۲ بین گفتمان‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. گفتمان‌ها همواره تلاش می‌کنند تا «دیگری» را به حاشیه برانند و خود را برجسته کرده، به موقعیت هژمون برسند. اما این حاشیه‌رانی هر چقدر هم شدید باشد قادر به حذف کامل رقیب از صحنه‌ی رقابت نیست. بنابراین هر لحظه امکان بازسازی گفتمان رقیب وجود دارد. به همین دلیل نباید در رقابت‌های گفتمانی افراط کرد، زیرا سرکوب خشن گفتمان دیگر، موجب رادیکال شدن آن خواهد شد (کسرابی و پوزش شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۴۹). منطق رقابت در میان گروه‌های مختلف کرد وجود دارد (که توضیح آن در صفحات بعد خواهد آمد) و همین رقابت‌هاست که در گذشته مانع از قرار گرفتن آنها در یک زنجیره هم‌ارزی شده و وجود این عامل در آینده نیز مانع از تحقق آرمان تشکیل کردستان بزرگ خواهد شد.

دال خالی

به زبان ساده، می‌توان دال خالی^۳ را به خلاء در یک گفتمان و عدم توجه آن به یک عنصر یا مفهوم تعبیر کرد. دال خالی سرآغاز ایجاد گفتمان‌های جدید است، چرا که مفصل‌بندی گفتمان جدید حول محور دال خالی در «گفتمان بی‌قرار»^۴ انجام می‌شود؛ تحت این شرایط است که دال خالی به دال مرکزی تبدیل می‌شود. اگر گفتمان مسلط بتواند خلاء یا خلاء‌های موجود در گفتمان‌ش را پر کند، ادامه‌ی حیات خود را تضمین کرده است و در غیر این صورت، گفتمان رقیب از دال‌های خالی تصویری آرمانی در ذهن مردم (به عنوان سوژه) ایجاد می‌کند و به گفتمان مسلط تبدیل می‌شود (کسرابی و پوزش شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۵۵). سیاست‌های آنتاگونیستی رضاشاه پهلوی و مفاهیم موجود در گفتمان ناسیونالیسم ایرانی باعث شد تا هویت‌های قومی به عنوان دال خالی

1 Hegemony

2 competition

3 Empty signifier

4 Dislocation discourse

آن گفتمان مطرح شوند. بدین ترتیب، ناسیونالیست‌های کرد با محور قرار دادن هویت قومی خود، عناصر گفتمانی‌شان را حول محور هویت کردی مفصل‌بندی کردند و در سالهای ۱۳۲۴ و ۱۳۲۵ ه.ش در جمهوری کردستان به هژمونی رسیدند.

پیشینه پژوهش

مسئله شکاف‌های اجتماعی بین احزاب و گروه‌های ناسیونالیست کرد در مقالات و کتب متعددی مورد بررسی قرار گرفته است. محمدرضا حاتمی و میکائیل سانیار (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «همه پرسى اقلیم کردستان، منابع و تنگناهای تشکیل دولت مستقل» مسئله همه‌پرسی اقلیم کردستان و منابع و محدودیت‌های تشکیل دولت مستقل کردی را مورد بررسی قرار داده‌اند. آنها همچنین به موانع اقلیم کردستان در راستای تشکیل دولت مستقل همچون انزوای ژئوپلیتیکی، مخالفت قدرت‌های منطقه‌ای ایران، ترکیه و عدم حمایت بین‌المللی و مسئله کرکوک اشاره کرده‌اند. حاتمی و سانیار همچنین به اختلافات احزاب کردی به ویژه حزب دمکرات به رهبری مسعود بارزانی و اتحادیه میهنی به رهبری جلال طالبانی که یکی از مهمترین عوامل ناکامی جریان استقلال‌طلبی در کردستان عراق بوده، پرداخته‌اند.

صادق زیباکلام و نوذر خلیل طهماسبی (۱۳۹۵) در بخشی از مقاله «مسائل اقلیم کردستان عراق، منابع و موانع استقلال» به موانع داخلی و خارجی در جهت استقلال اقلیم کردستان اشاره می‌کنند. موانع داخلی اقلیم برای استقلال عبارتند از: موقعیت محدود جغرافیایی، وجود دولت عراق، قانون اساسی کشور عراق، مخالفت شیعیان و سنی‌ها با استقلال کردستان، شرایط اقتصادی نفتی، اختلافات گروه‌های سیاسی در اقلیم. همچنین موانع خارجی استقلال اقلیم عبارتند از: مخالفت امریکا با استقلال و تجزیه عراق، مخالفت کشورهای منطقه و همسایه با استقلال کردها. زیباکلام و خلیل طهماسبی با وجود اشاره به موانع متعدد در مقاله مذکور، در نهایت دلیل اصلی ناکامی استقلال کردستان عراق را اختلافات احزاب کرد، بخصوص حزب دمکرات و حزب اتحادیه میهنی بیان می‌کنند.

عبدالرحمن قاسملو و دیگران (۱۳۹۳) در فصل چهارم کتاب «ملتی پژمرده و سرزمینی پاره پاره» به عشیره‌های مخالف جمهوری کردستان و کناره‌گیری عشیره‌های متحد آن اشاره

می‌کند. در میان عشیره‌های متحد، فرزند قرنی آغا و مام عزیز رئیس ایل مامش و بایزید آغای منگور خیلی زود و علناً مخالفت و کناره‌گیری خود را از قاضی محمد اعلام کردند. حتی بارزانی‌ها هم که از روی گردانی آنها نسبت به جمهوری کردستان خشمگین بودند و به همین دلیل به جنگ با آنها پرداختند، کم‌کم به دلیل عدم تأمین خواسته‌هایشان از سوی قاضی محمد، از او کناره گرفتند. همچنین عمرخان شکاک، وزیر جنگ جمهوری کردستان که او را رئیس آینده حزب می‌دانستند از مقام خود کناره گرفته و به زیندوخت عقب‌نشینی کرد. به این ترتیب، قاضی محمد تنها و بی‌پشتیبان در مقابل ارتش ایران قرار گرفت.

عبدالرحمن قاسملو (۲۰۰۰) همچنین در فصل دوم کتاب «چهل سال مبارزه در راه آزادی» به بررسی علل فروپاشی جمهوری کردستان می‌پردازد و ضمن برشمردن علل مختلف برای آن، علت اصلی را مربوط به جامعه کرد تلقی می‌کند. او در این مورد از سه علت ضعف درونی جنبش، ضعف داخلی حزب و در رأس تمامی آنها ضعف رهبری در حزب دمکرات کردستان بوده است. به طوری که این ضعف در تمام ابعاد زندگی و فعالیت حزب و جمهوری کردستان خود را نشان داد.

کریس کوچیرا (۲۰۰۸) در بخش‌های متعددی از کتاب «جنبش ملی کرد» به مسئله اختلافات داخلی در میان احزاب و گروه‌های کردی اشاره می‌کند. درگیری‌های طولانی بین حزب دمکرات به رهبری مسعود بارزانی و حزب اتحادیه میهنی کردستان به رهبری جلال طالبانی که «جنگ برادر کشی»^۱ نامیده می‌شوند، اختلافات خونین بین احزاب دمکرات کردستان ایران و عراق، اختلاف و درگیری‌های حزب مارکسیستی - لنینیستی کوموله با حزب خورده بورژوازی دمکرات کردستان ایران و بسیاری دیگر از اینگونه اختلافات به عنوان علل عدم موفقیت کردها در رسیدن به هدف خود ذکر می‌شوند.

عرفان قانعی فرد (۱۳۸۵) در بخش پایانی کتاب «آهنگ وفا: گفتمان تاریخی - فرهنگی کردها» که گفتگویی با احمدصدر حاج سیدجوادی است، به مسئله اختلاف بین سران کرد در اوایل انقلاب اسلامی اشاره می‌کند. این اختلافات باعث می‌شد تا یک برنامه منسجم و مطالبه‌ای

۱ شهری براکوژی

واحد از سوی آنها به حکومت مرکزی ارائه نشود و مشکل کردستان روز به روز عمیق‌تر گردد.

نوآوری اصلی پژوهش حاضر نسبت به آثار فوق، استفاده از روش تحلیل گفتمان در بررسی رویدادها و تحولات تاریخی است. همچنین همانگونه که قبلاً نیز گفته شد، آثار مذکور تنها در بخش محدودی از پژوهش خود به مسئله شکاف بین احزاب کردی پرداخته‌اند و پژوهش مستقلی که به طور مبسوط و عمیق به این موضوع پردازد، وجود ندارد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از جنس پژوهش‌های کیفی است. همچنین هدف از این تحقیق، پیش‌بینی درباره آن چیزی است که باید تحت شرایط موجود و روابط حاکم بر رفتار احزاب و گروه‌های مختلف کردی رخ دهد و آن عدم امکان تحقق آرمان تشکیل کردستان بزرگ است. در صورت ادامه این وضع در آینده، هژمونی گفتمان ناسیونالیسم کردی و عملی شدن آن همچنان غیر ممکن خواهد بود. داده‌های مورد نیاز در پژوهش حاضر نیز از طریق ابزار کتابخانه‌ای - اسنادی جمع آوری شده و به روش توصیفی - تحلیلی مورد واکاوی قرار گرفته است.

یافته‌های پژوهش

در مفصل‌بندی گفتمان ناسیونالیسم قومی، اختلافات گوناگون میان اشخاص، گروه‌ها و اقوام کرد و کشمکش‌ها و درگیری‌های خونین بین آنها در یک فضای انتزاعی و اسطوره‌ای، به طور کلی به فراموشی سپرده می‌شود و غیریت‌ها در یک زنجیره هم‌ارزی به گونه‌ای یکپارچه و منسجم بر ساخته می‌شوند. گویا اصلاً تفاوت یا اختلافی بین اقوام، نژادها، ادیان، مذاهب و حتی گویش‌های مختلف موجود در کردستان وجود ندارد. از آنجا که ماهیت متکثر جامعه تقاضاهای گوناگون را از سوی گروه‌های گوناگون مطرح می‌سازد و چون امکان پاسخ به همه آنها در قالب یک گفتمان وجود ندارد، ناسیونالیست‌های کرد از واقعیت‌ها فاصله گرفته و با مفصل‌بندی گفتمان ناسیونالیسم کردی، آن را حلال تمامی مشکلات جامعه معرفی می‌کنند. به عبارت دیگر، چون ماهیت امور اجتماعی

همواره پیچیده و متکثر است، به ناچار فضای اسطوره‌ای جایگزین فضای واقعی جامعه می‌شود. مصداق بارز این مورد «ماموستا هزار»^۱ و نحوه نگرش او به کردها است. دیدگاه او نسبت به کردها این بود که همه آنها همچون خود او برای تحقق آرمان‌های ناسیونالیستی تلاش می‌کنند و در این راه از بذل جان و مال دریغ نمی‌کنند؛ همانگونه که خودش اینگونه بود و آوارگی، فقر و تنهایی را به زندگی آرام، بی‌دغدغه و همراه با خانواده‌اش ترجیح داده بود. اما هنگامی که پس از تحمل سال‌ها رنج و گرسنگی در غربت به مهاباد برمی‌گردد، با کمال تعجب می‌بیند «مردم مهاباد کردباوری را از یاد برده بودند و تمام فکر و ذکر آنها چک و سفته و بانک و پول و نقدینه بود.» او در توصیف فضای ذهنی خود در سال‌های پس از سقوط جمهوری مهاباد می‌نویسد: «می‌گویند: شاعران در رویا کاخی در آن سوی ابرها بنا می‌کنند اما نمی‌توانند در آن زندگی کنند. من اگرچه همه زندگی خود را از دست داده بودم، اما همیشه تصور می‌کردم مردم مهاباد، با درک این همه سالهای پر از رنج و مشقت، بر من حرمت خواهند گذاشت. اما کاملاً عکس رؤیاهای من بود. هیچ کس حتی جواب سلامم را هم نمی‌داد (شرفکندی، بی تا: ۸۱۳).»

در ادامه برای آشنایی با آراء و اندیشه‌های ناسیونالیست‌های کرد، ابتدا اشاره کوتاهی به روند شکل‌گیری گفتمان ناسیونالیسم کردی می‌شود و سپس چند مورد از آثار و نوشته‌های آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ظهور گفتمان ناسیونالیسم کردی باید در چارچوب گسترش گفتمان ناسیونالیسم ایرانی و سیر حکومت پهلوی به سوی ناسیونالیسم مدرن مبتنی بر نژاد آریایی و زبان فارسی تحلیل شود. روشنفکران ناسیونالیست ایرانی و مقامات حامی آنها با دیدگاهی شوونیستی^۲ شروع به توسعه یک

^۱ عبدالرحمن شرفکندی نویسنده، مترجم و شاعر مشهور کرد مهابادی بود که در شعر «هزار» تخلص می‌کرد. با تأسیس جمهوری کردستان هزار به یکی از مهمترین حامیان آن بدل شد و لقب «شاعر ملی کردستان» را دریافت نمود. آثار علمی متعددی از او بر جا مانده است که تنها برخی از آنها منتشر شده است.

مفهوم جدید از هویت ایرانی کردند که کاملاً متفاوت از ساختار فرهنگی قدیمی آن بود و مفهومی از ملت را در نظر داشت که صرفاً مبتنی بر سرزمین آریایی و فارسی‌زبان بود و دیگر هویت‌های قومی و زبانی ساکن در ایران را حذف می‌کرد. حکومت رضاشاه با الهام از اندیشه‌های ناسیونالیست-های ایرانی، اقداماتی از جمله متحدالشکل کردن لباس، کشف حجاب، نظام وظیفه اجباری، اسکان اجباری عشایر، ممنوعیت استفاده از زبان بومی و نابودی مراکز قدرت محلی را در دستور کار حکومت خود قرار داد. این اقدامات باعث به وجود آمدن شرایطی شد که اقوام را نسبت به حفظ فرهنگ و هویت‌شان به تکاپو انداخت. در این میان، کردها با تعریف «خود» در مقابل «دیگری» ایرانی، یک غیریت تصنعی به وجود آوردند. در این میان، روشنفکران کرد با محور قرار دادن هویت بومی خود گفتمان ناسیونالیسم کردی را شکل دادند. دال مرکزی این گفتمان «قومیت کرد» در نظر گرفته شد که «دال خالی» گفتمان ناسیونالیسم ایرانی بود. در واقع عدم توجه حکومت مرکزی به هویت اقوام ایرانی باعث شد تا آنها نیز مقابله به مثل کرده، هویت ایرانی خود را مورد بی‌توجهی و هویت قومی‌شان را مورد تأکید قرار دهند. این وضع، نتیجه تحولاتی بود که توسط حکومت مرکزی و با هدف حذف هویت‌های قومی به وقوع می‌پیوست. در این میان، قدرت‌های جهانی نیز با توجه به منافع ملی خود به دخالت در منازعه و دامن زدن به آن می‌پرداختند. اشاره به نقش حکومت مرکزی (سطح ملی) و قدرت‌های بین‌المللی (سطح فراملی) در تشکیل گفتمان ناسیونالیسم کردی از حوصله بحث خارج است. در پژوهش حاضر تنها به سطح فروملی که اندیشه‌های روشنفکران قومی و تفاوت‌های میان مردم کرد را مدنظر قرار می‌دهد، پرداخته می‌شود. در ادامه با توجه به هدف پژوهش به بررسی شکاف‌های اجتماعی موجود در بین مردم کرد و تلاش روشنفکران محلی برای انکار این موضوع و قرار دادن اقشار مختلف جامعه کرد در زنجیره هم‌ارزی پرداخته می‌شود.

در بسیاری از آثار مربوط به نویسندگان ناسیونالیست کرد، فعالیت‌های یک حزب خاص به عنوان مبارزه اقشار مختلفی از یک ملت منسجم و همگون، معرفی می‌شود. به عنوان مثال، عبدالرحمن قاسملو که برای چندین دوره دبیرکل وقت حزب دمکرات کردستان ایران بوده است، همزمان با چهلمین سالگرد تأسیس حزب دموکرات به تاریخ پر فراز و نشیب اشاره می‌کند و آن را «افتخار همه مردم کرد» معرفی می‌نماید (قاسملو، ۲۰۰۰: ۱۲). او تاریخ حزب را تاریخ مبارزه اقشار مختلف مردم کرد می‌داند و درباره فعالیت‌های مبارزاتی آن اینگونه می‌نویسد: «در مبارزات

کنونی مردم کردستان برای آزادی و احقاق حقوق ملی، همه طبقات و اقشار جامعه حضور دارند. در حقیقت امروزه در کردستان ایران قشر نیرومندی وجود ندارد که مخالف مبارزه رهایی‌بخش ملت کرد باشد. شاید به صورت پراکنده در اینجا یا آنجا کسانی باشند که به طبقه خاصی تعلق داشته و با جنبش رهایی‌بخش مردم کردستان به مخالفت پردازند اما به صورت طبقه و نیروی اجتماعی، پدیده مهمی قابل مشاهده نیست. به همین دلیل است که آرمان دموکراسی و خودمختاری از سوی تمامی مردم کردستان پشتیبانی می‌شود (قاسملو، ۲۰۰۰: ۱۹). علاوه بر این، قاسملو حزب دمکرات را یک حزب مرفقی و دارای برنامه مدون در نظر می‌گیرد و به همین دلیل است که از همان ابتدای آغاز فعالیتش، حمایت تمامی اقشار جامعه کردستان را به دنبال خود داشت (قاسملو، ۲۰۰۰: ۲۹). در همین راستا، عبدالله حسن‌زاده، دبیر کل سابق حزب دمکرات کردستان ایران نیز حزب دمکرات را نماینده اکثریت جامعه کردستان در نظر می‌گیرد و به انتقاد از کسانی می‌پردازد که تلاش می‌کردند تا آن را جدا از مردم کرد و جامعه کردستان نشان دهند (کمیسیون انتشارات حزب دمکرات کردستان ایران، ۱۳۸۲: ۱۱۶).

عزیز ماملی نیز یکی دیگر از اندیشمندان طرفدار ناسیونالیسم کردی است. او که به ترجمه کتاب «جنبش ملی کرد و خواست استقلال» نوشته کریس کوچیرا، کردشناس مشهور فرانسوی پرداخته است، با اشاره به واقعیت مبارزات کردها، آن را نشان دهنده یکپارچگی ملت کرد و قیام برای تحصیل حقوق و آزادی خود قلمداد می‌کند. از نگاه ماملی، ابراز نفرت و بی‌زاری همه اقشار و طبقات ملت کرد در تمامی نقاط کردستان، در قبال دستگیری «عبدالله اوجالان» رهبر حزب کارگران کردستان، فریاد اعتراضی بر علیه رژیم‌های حاکم بر کردستان در کشورهای ترکیه، عراق، ایران و سوریه بوده است (کوچیرا، ۲۰۰۸: ۶).

شیخ محمود برزنجی یکی دیگر از رهبران ملی مذهبی کرد بود که با برجسته کردن مفهوم کرد و ملت کرد، سعی در متحد جلوه دادن تمامی ادیان و مذاهب کردستان در جهت نجات ملت کرد از چنگال دول غیر کرد داشت. او در جریان دیداری با غنی بلوریان می‌گوید: «در میان کردها مذاهب

مختلفی مثل سنی، شیعه، کاکه‌ای، یزیدی و ادیان عیسوی و یهودی وجود دارد و آنها نیز همگی دلسوز کرد هستند (بلوریان، ۱۳۸۴: ۱۰۴).

عبدالله اوچالان نیز که یکی از مهمترین رهبران ناسیونالیست کرد ترکیه است، کردها را یک گروه قومی منسجم و یکپارچه در نظر می‌گیرد و بدون توجه به واقعیت وجود شکاف‌های گوناگون اجتماعی در میان آنها به انتقاد از رویکرد سیاسی غالب در مواجهه با مسئله کردها می‌پردازد. انتقاد اوچالان از این جهت قابل توجه است که از نظر او هنوز هم موجودیت کردها به عنوان یک جامعه قومی منسجم از سوی دولت‌های ترک (ترکیه) و عرب (سوریه و عراق) و فارس (ایران) مورد انکار قرار می‌گیرد (Ocalan, 2011: 20).

تاریخ کردستان در گفتمان ناسیونالیسم کردی به گونه‌ای روایت می‌شود که مسبوق به سابقه نیست. ناسیونالیست‌های کرد سعی می‌کنند تاریخ کردستان را تاریخ مبارزه کردها برای به دست آوردن استقلال و تشکیل حکومت کردی معرفی کنند. اصرار آنها در تعمیم جنبش‌های ملی‌گرایانه بر تاریخ چند صد ساله اخیر کردستان و ارجاع آن به گذشته‌های دور تا حدی است که حکومت امرای اردلان را یک جنبش ملی در مقیاس کوچکتر به حساب می‌آورند (کمیسیون انتشارات حزب دمکرات کردستان ایران، ۱۳۸۲: ۱۱۲) و به عنوان حکومتی مستقل و خودگردان محسوب می‌کنند (قاسملو و دیگران، ۱۳۹۳: ۳۳).

قرار دادن گروه‌های مختلف کرد در یک زنجیره هم‌ارزی و مفصل‌بندی گفتمانی به نام گفتمان ناسیونالیسم کردی جز با فرض وجود «دیگری» امکان‌پذیر نیست. این مسئله به وفور در آثار و رفتار ناسیونالیست‌های کرد قابل مشاهده است. به عنوان مثال، عبدالله حسن‌زاده با ایجاد دو گانه کرد و جمهوری اسلامی، خود را مدافع آرمان‌های کرد و غنی بلوریان (از رهبران حزب دمکرات کردستان ایران) را مدافع و وابسته به جمهوری اسلامی معرفی می‌کند (کمیسیون انتشارات حزب دمکرات کردستان ایران، ۱۳۸۲: ۱۲۷). نکته مهم در اینجا نه صرفاً اشاره به دو گانه کرد و جمهوری اسلامی، بلکه توجه به این مسئله است که فردی همانند عبدالله حسن‌زاده، علاوه بر اینکه به انسجام مردم کرد

معتقد است، آنها را دارای آمال و آرزوهای مشترک می‌داند. در این خصوص، غنی بلوریان نیز معتقد است: «کردها تنها یک آرزو دارند، آن هم آزادی براساس دمکراسی حقیقی است (بلوریان، ۱۳۸۴ : ۱۶۲).

در آخر اشاره کوتاهی به جمله‌ای از غنی بلوریان خالی از لطف نیست. او که قائل به وحدت مطالبات، لغت، اقتصاد و قومیت اکراد است، در این مورد می‌نویسد: «ملت کرد از فجر تاریخ، تشکیل یک ملت زنده را داده جز مطالبه حقوق طبیعی و حق حیات چیز دیگری را نمی‌خواهد. قوم کرد از همسایگانش چه از حیث عضویت و چه از جنبه لغت و ادب متمایز بوده و کردستان یک وحدت جغرافیایی و اقتصادی و قومی متصل و متناسب را تشکیل می‌دهد (بلوریان، ۱۳۸۴ : ۱۰۹)».

شکاف‌های اجتماعی گوناگون در میان کردها

علیرغم اینکه عناصر گفتمان ناسیونالیسم کردی با قرار گرفتن در یک زنجیره هم‌ارزی منسجم قلمداد می‌شوند، اما ماهیتی متکثر دارند و تنها در مفصل‌بندی گفتمانی است که ماهیت منسجم و یکدست به خود می‌گیرند. بنابراین، تأکید ناسیونالیست‌های کرد بر وحدت قومی، قبیله‌ای، مذهبی، ایدئولوژیکی و حتی زبانی کردها محل بحث و قابل رد است. در ادامه برای فهم بهتر مسئله، هریک از مؤلفه‌ها به صورت جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف. زبان

کسی که آشنایی مختصری با زبان کردی داشته باشد به راحتی می‌داند که اعتقاد به وحدت زبانی در میان کردها همچون دیگر گروه‌های زبانی امری بیهوده و غیرقابل قبول است. یک کرد گروس یا کلهر گذشته از اینکه نمی‌تواند به زبان کردی شکاک یا گوران تکلم کند، حتی در فهم آنها نیز دچار مشکل است. به گفته اُرانسکی^۱ «لهجه‌های بعضی از قبایل کردی با لهجه‌های اصلی مزبور آنچنان متفاوت‌اند که محققان آنها را زبان مستقلی می‌دانند (اُرانسکی، ۱۳۵۸ : ۳۱۱)». همچنین

1 Oranskii

مک داوول^۱ ضمن تقسیم زبان کردی به دو شاخه «سورانی» و «کرمانج» می‌نویسد: «این دو زبان از حیث نحو و دستور زبان، به اندازه زبان‌های انگلیسی و آلمانی با هم فرق دارند (مک‌داوول، ۱۳۸۳: ۵۲)». اشاره به قواعد صرفی و نحوی هریک از گویش‌ها و لهجه‌های کردی از حوصله بحث خارج است و در پژوهش حاضر از آن صرف نظر می‌شود. اما در عین حال نباید از اشتراکات لفظی زبان فارسی با کردی غافل شد. استاد رشید یاسمی که خود از اندیشمندان معروف کرد است، در این مورد می‌نویسد: «زبان اگرچه از ارکان قویه ملت است و بهتر از هر دلیلی یگانگی کرد و ایرانی را ثابت می‌کند، ولی از شدت وضوح و بداهت محتاج به بحث نیست و از مقابله الفاظ کردی و فارسی اتحاد آنها به سهولت ثابت می‌شود (رشید یاسمی، بی تا: ۱۳۲)». او سپس چندین لفظ را به صورت فهرست‌وار ذکر می‌کند که در جدول زیر به آنها اشاره می‌شود.

الفاظ فارسی	الفاظ کردی
آب	آو
زمین	زوین
روز	روژ
ماه	مانگ
شب	شو
تابستان	تاوسان
روغن	رون
دوغ	دو
دست	دس
کمان	کوان
زن	ژن
شهر	شار
خود	خوی

1 McDowell

تنها	تنیا
چهار	چوار
ماده گاو	مانگا
چشم	چاو

منبع: (رشیدیاسمی، بی تا: ۱۳۲)

با توجه به مطالب سطور فوق، سؤالاتی به ذهن متبادر می شود که از نظر نگارنده، اعتقاد به وحدت زبانی در گفتمان ناسیونالیسم کردی و همچنین محور قرار دادن آن به عنوان مبنایی برای تشکیل کشوری مستقل را زیر سؤال می برد. به راستی، در صورت تشکیل کشوری واحد توسط کردها، کدام یک از گویش های زبان کردی به عنوان زبان رسمی و مبنای برگزیده خواهد شد؟ نظر افراد و گروه هایی که مخالف زبان رسمی هستند، چه می شود؟ آیا تشکیل حکومتی بدون رسمیت دادن به یک گویش خاص کردی با مبنای تشکیل آن که زبان است در تضاد نیست؟ چگونه می شود بر مبنای زبان کردی حکومتی تشکیل داد ولی معتقد به رسمیت هیچ یک از گویش های کردی نبود؟ در صورت مجاز بودن وجود همه گویش های کردی در حکومت کرد، وجود دیگر زبان های ایرانی همچون لکی، لری یا حتی فارسی که قرابت بیشتری به برخی از گویش های کردی نسبت به گویش های دیگر آن دارند، چه مانعی دارد؟

ب. اتحاد سیاسی اقوام، گروه ها و احزاب کرد

وجود شکاف های اجتماعی مختلف در میان کردها همچون دیگر جوامع بشری یک امر طبیعی و اجتناب ناپذیر است، اما در گفتمان ناسیونالیسم کردی مورد انکار واقع می شود (Faleh & Mansour, 2019: 143). با هدف خلق دو گانه ای تصنعی بین هویت قومی و ملی انجام می گیرد. یعنی در یک طرف هویت منسجم و یکپارچه اقوام کرد قرار می گیرد و در طرف دیگر هویت ملی ایرانی که در یک کشمکش دائمی با یکدیگر به سر می برند (لطیفان کریم و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۵۴). نگاه ناسیونالیستی به هویت قومی برساختی ذهنی را به وجود می آورد که بیشتر از آنکه یافته علمی و تحقیقاتی فرد باشد، ساخته ذهنی اوست (حاکمی و حیدری پور، ۱۴۰۱: ۶۵). این نوع نگاه به مسئله شرایطی را به وجود می آورد که باعث از بین رفتن سرمایه های اجتماعی و معنوی کشور می شود؛

سرمایه‌هایی که سال‌ها با نظام سیاسی همدل و همراه بوده‌اند (نیکونهاد و بیوک، ۱۴۰۳: ۲۰). علیرغم تأکید ناسیونالیست‌های کرد بر همگونی جامعه کرد، اسناد تاریخی مربوط به کردستان حاکی از آن است که به ویژه در یک صد سال اخیر، یکی از موانع جدی اتحاد کردها برای رسیدن به هدف خود، شکاف‌های اجتماعی و مسائل ناشی از آن بوده است.

علیرغم تأکید ناسیونالیست‌های کرد بر همگونی جامعه کرد، اسناد تاریخی مربوط به کردستان حاکی از آن است که به ویژه در یک صد سال اخیر، یکی از موانع جدی اتحاد کردها برای رسیدن به هدف خود، شکاف‌های اجتماعی و مسائل ناشی از آن بوده است. ناسیونالیست‌های کرد در تحلیل تاریخ کردها از این قومیت به عنوان گروهی واحد یاد می‌کنند که در طول تاریخ به مبارزه بر علیه حکومت‌های استعمارگر پرداخته‌اند. در واقع، کردها به عنوان یک کلیت همگون به گونه‌ای بر ساخته می‌شوند که گویا در رقابتی همیشگی با حکومت‌های مرکزی که به عنوان «دیگری» معرفی می‌شوند، به سر می‌برند و تنها هدف آنها رسیدن به استقلال و رهایی از سلطه حکومت مرکزی است، هدفی که همه مردم کرد جان و مال خود را برای رسیدن به آن فدا می‌کنند. چنانکه که ماموستا هزار می‌گوید:

سهر و مال به قوربان ده که ین گیشتمان له‌ریی سه‌ربه‌خو بوونی تو نیشتمان
یعنی: ای وطن! همه ما جان و مال خود را در راه خودمختاری تو فدا می‌کنیم (شهرفکنندی، ۲۰۰۱: ۵۹).

با وجود این، وقایع تاریخی کردستان و اسناد مربوط به آن حاکی از وجود اختلافات عمیق بین اقوام، احزاب و گروه‌های مختلف در کردستان است. وحدت کردها حتی در جمهوری مهاباد نیز که از سوی ناسیونالیست‌های کرد به عنوان حکومت آرمانی تلقی می‌شود، واقعیت عینی نداشته است. درست است که امضای رؤسای چند ایل و قبیله کرد در پای فرمان استقلال جمهوری کردستان به چشم می‌خورد، اما آنها صرفاً به خاطر حضور و پافشاری قوای شوروی در منطقه به چنان عملی دست زده بودند و گرنه علاقه چندانی به آن نداشتند. رؤسای قبائل کرد تنفر تاریخی شدیدی نسبت به روس‌ها داشتند و به پیوند قاضی محمد با آنها بی‌اعتماد بودند (قاسملو و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۶۵). همچنین سبک زندگی قبیله‌ای آنها مانع جدی برای تسلیم شدن به یک قدرت شهری بود. در نتیجه

وقتی قاضی محمد خواهان حمایت نظامی رؤسای قبائل کرد از جمهوری کردستان شد، جواب مساعدی دریافت نکرد.

روحانیون کرد به ویژه در جنوب کردستان نسبت به سیاست‌های جمهوری کردستان نظر مساعدی نداشتند. اگرچه سیاست‌گذاری‌های غلط حکومت پهلوی در رابطه با اقوام ایرانی مورد قبول آنها نبود و منتقد جدی آن بودند، اما تأسیس حکومت مستقل کردی هم شور و شوقی در آنها به وجود نیاورد و استقبال چشمگیری از جمهوری کردستان که آشکار وابسته به کمونیسم شوروی بود، به عمل نیامد. مهمترین شخصیت مخالف حکومت قاضی محمد در میان روحانیون سنندج، شیخ مردوخ کردستانی بود. همانگونه که قبلاً نیز گفته شد، او در اواخر دوره قاجاریه و اوایل حکومت پهلوی نقش مهمی در اداره منطقه کردستان ایفا می‌کرد و خصوصاً در جریان نهضت مشروطیت و شورش‌های کردستان نقش فعالی داشت. او در تاریخ ۱۶ دی ۱۳۲۵ در جواب این سؤال خبرنگار روزنامه اطلاعات که پرسیده بود: مردم کردستان نسبت به وقایع گذشته (جمهوری کردستان) چه نظری داشتند، می‌گوید: حرکت قاضی تنها در مهاباد انعکاس داشت و در بقیه کردستان کسی به ندای آنها جواب مثبت نداد. ایشان علت این مخالفت را پایبند بودن مردم کرد به آیه «اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولی الامر منکم» ذکر می‌کنند و در ادامه می‌گویند: «وقتی آن نغمه‌های شوم از حلقوم چند نفر خائن نادان برخاست، با آنکه ما اهالی کردستان متحمل محرومیت‌ها شده و از بسیاری از ضروریات زندگی محروم مانده و بالتیجه عدم رضایتی از اوضاع داشتیم، برای آنکه بهانه‌ای به دست فتنه‌جویان نیافتد، حتی تقاضاهای مادی خود را نیز مسکوت گذاشتیم. اکنون که آن مانع رفع شده و برای عرض تشکر به تهران آمده‌ایم، فرصت را مغتنم شمردیم تا ضمن شرفیابی و عرض تبریک، استدعا کنیم که نسبت به این استان وسیع و مردم بینوای آن بذل توجهی فرمایند و برای تأمین معاش و توسعه فرهنگ و بهداشت تصمیماتی اتخاذ نمایند (روزنامه اطلاعات، ۱۶/۱۰/۱۳۲۵: ۸)».

آرچی بالد روزولت^۱ درباره جمهوری مهاباد می‌نویسد: «در تلاشی که شوروی می‌خواست تا اندازه‌ای نقشش هم نامحسوس باشد، نتوانست عشایر و حکومت کردستان را به هم نزدیک کند (قاسملو و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۵۸)».

1 Archibald roosevelt

اگرچه بسیاری از ناسیونالیست‌های کرد، عامل اصلی سقوط جمهوری کردستان را قطع حمایت‌های شوروی از آن ذکر می‌کنند (مصطفی امین، ۲۰۰۶: ۲۶۴ و بلوریان، ۱۳۸۴: ۸۵)، اما شکی در این نیست که عدم اتحاد کردها و گرایش‌های عشیره‌ای و منازعات قبیله‌ای آنها به مراتب سهم بیشتری در وقوع این حادثه داشته است. منازعات میان رهبران کرد تا حدی بوده است که در گردهمایی ۲ بهمن ۱۳۲۴ که روز اعلام جمهوری کردستان بود، وقتی نوبت به سخنرانی «زیر و بهادری» می‌رسد، در بالای سکو قرار گرفته و طی سخنانی به انتقاد شدید از «شیخ عبدالله افندی گیلانی» می‌پردازد و او را به همکاری با ارتش ایران متهم می‌کند و جاسوس انگلیسی‌ها خطاب می‌کند. متن این سخنرانی در مورخ ۱۱ اسفندماه ۱۳۲۴ توسط روزنامه «کردستان» به چاپ می‌رسد (قاسملو: ۲۰۰۰: ۵۲). با سخنرانی بهادری جو حاکم بر میدان چوارچرا متشنج گردیده و از هر سو اظهار ناراحتی و نگرانی بلند می‌شود. «سید عبدالعزیز» پسر جوان شیخ عبدالله که در میان جمعیت حضور داشته و کار خود را در ارتش عراق رها کرده بود و آمده بود تا به نیروهای قاضی محمد بیوندد، به بالای جایگاه رفته و از پدر خود دفاع می‌کند. پس از او قاضی محمد مجدداً به بالاس سکو می‌رود و از شیخ عبدالله جانبداری می‌کند. او اتهامات بهادری را واهی و بی‌اساس می‌خواند و بدین طریق بار دیگر جمعیت را آرام می‌کند (جونیز، بی‌تا، ۱۱۵).

نجفقلی پسیان درباره مخالفت برخی از عشایر و ایلات کرد و روحانیون بزرگ منطقه با جمهوری کردستان به جریان ملاقات آنان با محمدرضا شاه پهلوی اشاره می‌کند و می‌نویسد: «در این جریان، ضمن شرفیابی، عده‌ای از رؤسای ایلات منگور و مامش و روحانیون بزرگ از پیشگاه ملوکانه تقاضای اعدام قاضی محمد و برادر و عموزاده‌اش را کردند و این اظهارات به وسیله روزنامه‌ها و اعلامیه‌ها در میان عشایر توزیع گردید و مدعوین با دیدن مؤسسات نظامی و واحدها، با قدرت و نفوذ و اقتدار دولت آشنا شدند. به طوری که در مراجعت، دیگر صحبتی جز مخالفت با قاضی محمد و تقاضای اعدام او نمی‌کردند (پسیان، ۱۳۲۸: ۱۶۶)». عبدالرحمن قاسملو در دو کتاب «ملتی پژمرده و سرزمینی پاره پاره» و «چهل سال مبارزه در راه آزادی» تحلیل‌های جالبی نسبت به این موضوع ارائه می‌دهد. او معتقد است: در سال ۱۹۴۶ میلادی، عشایر کرد علیه دولتی بودند که تحت سلطه قاضی محمد قرار داشت؛ قاضی محمدی که از نژاد و نسب خودشان بود. آنها خود را ضعیف‌تر از زمانی می‌دیدند که تحت حاکمیت حکومت مرکزی ایران قرار داشتند. این شرایط

باعث شد تا عشایر کرد به ارتش ایران متمایل شوند (قاسملو و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۶۵). اختلافات بین عشیره منگور و دموکرات‌ها هم در آن برهه تاریخی قابل توجه است. این اختلافات باعث درگرفتن چندین جنگ خونین بین طرفین شده بود و همچنان ادامه داشت. غنی بلوریان در توصیف آنها می‌گوید: «پدر کشته را کی بود آشتی (بلوریان، ۱۳۸۴: ۳۷۳)». سرانجام وقتی ارتش ایران به قصد تصرف مهاباد راهی آن منطقه شد، از عداوتی که بین طرفین حاکم بود، استفاده کرد و با کمک عشیره منگور و دیگر قبایل مخالف، به جنگ با دموکرات‌ها و ناسیونالیست‌های کرد رفت. فارغ از این موارد، هنگامی هم که به موجب «پیمان سور»^۱ میان عثمانی و متفقین پیمان صلحی برقرار شد، اگر ناسیونالیست‌های کرد نشان می‌دادند که واقعاً خواهان برپایی یک دولت مستقل کرد هستند، می‌توانستند با حمایت بریتانیا و عده ایجاد دولت کرد را از امپراطوری عثمانی بگیرند (کاتم، ۱۳۹۶: ۷۷).

قاسملو درباره عدم همراهی برخی از ملاکین کرد با جمهوری مهاباد می‌نویسد: «اگر ملاکین کردستان در هر نقطه از کردستان پا به فرار گذاشته و با رژیم مرکزی همکاری می‌کردند، تحت عنوان «جاش»^۳ اراضی آنها را به کشاورزان کرد و خانواده‌های عشیره بارزانی می‌دادند (قاسملو و

1 Treaty of Sevres

۲ در ۱۰ اوت سال ۱۹۲۰ میلادی در سور فرانسه نخستین پیمان میان نیروهای متفق و امپراتوری عثمانی امضا شد. برای تنبیه امپراتوری عثمانی که در جنگ جهانی اول در کنار امپراتوری آلمان و امپراتوری اتریش-مجارستان وارد جنگ شده بود، براساس پیمان سور قلمروی این امپراتوری به منطقه آناتولی که اهالی آن منحصرأ ترک‌تبار بودند، محدود شد. این عهدنامه به نوعی پایان حیات امپراتوری عثمانی محسوب می‌شد. براساس پیمان سور پیش‌بینی شده بود، ساحل غربی آناتولی به یونانی‌ها داده شود و نیز یک ارمنستان بزرگ مستقل و یک منطقه خودمختار کردنشین در بخش‌های شرقی آناتولی ایجاد شوند.

۳ جاش در لغت به معنی «کره خر» و در اصطلاح به معنی «خان» است. این واژه عبارتی توهین‌آمیز است که برای کردهای طرفدار انقلاب اسلامی استفاده می‌شود. همچنین در کردستان عراق این اصطلاح برای کردهایی که با رژیم بعثی همکاری می‌کرده‌اند به کار می‌رفته است. در جمهوری خودمختار مهاباد نیز از این اصطلاح برای کردهای ضد جمهوری خودمختار استفاده می‌شده است. عبدالرحمن شرفکندی متخلص به «هزار» از شعرای مشهور کرد در دیوان «بؤ کوردستان» در بسیاری از ابیات شعری خود از این اصطلاح استفاده کرده است. از جمله در شعر «جاش چوونه میصر» که چند نفر از رؤسای کرد به همراه طاهر یحیی نخست‌وزیر وقت عراق به مصر می‌روند، از زبان یک بیگانه می‌نویسد:

... میرم برامن زور باشن... کووردن، دوورله رووتان جاشن

دیگران، ۱۳۹۳: ۳۸). «در نهایت، قاسملو به نکته‌ای اشاره می‌کند که بسیار قابل تأمل است. او می‌تویسد: «در حالی که جمهوری کردستان عملاً هیچ دفاعی از خود نکرد، در آن صورت آیا بایستی شوروی ارتش سرخ را به کردستان گسیل می‌داشت و به طور خلاصه، ارتش سرخ به جای نیروهای پیشمرگ می‌جنگید؟ (قاسملو، ۲۰۰۰: ۱۱۲)»

اختلاف بین رهبران و عشایر کرد به دوره پهلوی محدود نشد و پس از انقلاب اسلامی ایران نیز ادامه یافت. در این میان کومله در تعریفی که از جمهوری اسلامی ارائه می‌کرد، آن را یک رژیم ارتجاعی می‌دانست که در تضاد کامل با منافع خلق کرد قرار داشت. این مسئله باعث ایجاد تضادی همیشگی و غیرقابل حل بین کومله و حکومت جمهوری اسلامی می‌شد؛ تضادی که جز با سرنگونی حکومت مرکزی ایران از بین نمی‌رفت. در عین حال این مسئله باعث اختلاف کومله با حزب دمکرات کردستان ایران نیز می‌شد. چرا که هرگونه مذاکره‌ای که از سوی دمکرات‌ها با حکومت جمهوری اسلامی انجام می‌گرفت، یک امر ارتجاعی و بر خلاف منافع خلق کرد تلقی می‌شد. درگیری‌های خونینی که در دهه ۶۰ بین دو حزب در گرفت و حدود پنج سال ادامه داشت، در این چارچوب قابل بررسی است. اختلاف بین احزاب کردی همواره باعث ایجاد موانع جدی برای اتحاد آنها به منظور طرح مطالبات قومی‌شان شده است. به عبارت دیگر، یکی از مهمترین عوامل ناکامی احزاب و گروه‌های کرد، رقابت آنها برای کسب هژمونی و تأمین رهبری خود در جنبش کردستان بوده است. چنانکه عبدالله مهتدی و دیگر اعضای کومله معتقد بودند که جنگ سراسری حزب دمکرات بر علیه کومله، صرفاً با هدف کسب هژمونی و تأمین رهبری جنبش کردستان انجام می‌گرفت (مرادیگی، بی تا: ۳۳۶).

سی چواریکیان پیره که رن ... فه رقی ناکا جاش له‌به‌رن
 نامووس و نایین و وه‌ته‌ن ... به مه‌رحه‌با و دینار نه‌ده‌ن ...
 کوردن و خویان ناناسن ... تا بفه‌رمووی جاشی خاسن
 می‌گویم برای من بسیار خوب هستند. آنها کرداند اما بلانسیب شما، کره خر هستند.
 اگرچه سه چهار نفر از آنها خر پیر هستند اما فرقی نمی‌کند، آنها کره خر هستند.
 ناموس، آیین و وطن خود را به یک تشویق مادی و دینار می‌دهند.
 آنها کرد هستند ولی خودشان را نمی‌شناسند و تا بگویی، کره خر (خائن) خوبی هستند.

اختلاف بارزانی‌ها و طالبانی‌ها در اقلیم کردستان عراق نیز نمونه دیگری از اختلافات حزبی و گروهی بین کردها است. کریس کوچیرا در بخشی از کتاب «جنبش ملی کرد و خواست استقلال» به مسئله جنگ داخلی در کردستان و رویارویی بارزانی‌ها و طالبانی‌ها اشاره می‌کند. در این درگیری، طالبانی‌ها شکست می‌خورند و علی عسکری، دکتر خالد و شیخ حسین، رهبر یزیدی‌ها توسط بارزانی‌ها اعدام می‌شوند. اندکی بعد مسعود بارزانی با امام خمینی و سران بلندپایه انقلاب دیدار می‌کند و در می ۱۹۷۹ قراردادی را با دکتر چمران، وزیر دفاع وقت به امضا می‌رساند. او در قبال پشتیبانی ایران، متعهد می‌شود که جنبش ملی کردستان عراق را از عناصر «چپی» پاکسازی کند و در عملیات نظامی بر علیه حزب دمکرات کردستان، به رهبری عبدالرحمن قاسملو، شرکت کند. این وضعیت قاسملو را ناگزیر به جنگ با نیروهای بارزانی می‌کشد و پسران ژنرال بارزانی را «جاش» و «مزدور خمینی» می‌نامد. بعدها که قبر ملا مصطفی بارزانی مورد تعرض و بی‌احترامی قرار می‌گیرد، روابط طرفین متشنج‌تر می‌شود (کوچیرا، ۲۰۰۸: ۵۱ - ۶۳).

در سال‌های اخیر نیز احزاب گوناگونی در مناطق مختلف کردستانات به فعالیت مشغول‌اند و هریک از آنها با آراء و اندیشه‌های خاص خود سعی می‌کنند تا به زعم خود به هدف نهایی‌شان که استقلال کردستان و تشکیل کشوری واحد برای کردهاست، برسند. اما هریک از آنها استراتژی خاص خود را دارند و این اختلاف نظرها گاهی به درگیری طرفین می‌انجامد. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که با توجه به این شرایط، کدام یک از طوایف و قبایل کرد به عنوان گروه برتر به هژمونی می‌رسد و حاکم می‌شود؟ آیا دیگر قبایل و رهبران آنها در یک محیط دموکراتیک به امیری آن قبیله و وزیری خود گردن می‌نهند؟

ج. وحدت قومی

وجود اختلافات و درگیری‌ها تنها به شکاف بین احزاب و گروه‌ها و اقوام مختلف کرد محدود نمی‌شود. بلکه این مسئله در درون خود آنها نیز شایع بوده است. یعنی علاوه بر وجود اختلافات متعدد بین اقوام و قبایل مختلف کرد در مواجهه با «دیگری»، در موارد متعددی وحدت بر علیه دشمن حتی در درون گروه‌های قومی و احزاب، در محدوده ایدئولوژی باقی می‌ماند. قبیله باید در مقابل بیگانگان مثل یک تن واحد باشد، اما در اغلب اوقات اینچنین نبود. در برخورد و کشمکش

بین قبایل گاه اتفاق می‌افتاد که بخشی از یک قبیله کرد با قبیله مخالف متحد می‌شد (بروین سن، ۱۳۸۳: ۱۰۱).

قاسملو با اشاره به اختلافات درونی جمهوری کردستان، آن را ناشی از قدرت‌طلبی رؤسای طوایف می‌داند و در این مورد می‌نویسد: «هر کدام از آنها (رؤسای طوایف) جنبش را به سمتی سوق می‌داد. به طوری که رؤسای عشایر حتی در نوع تاراج اموال روستائیان نیز اختلاف داشتند و هم‌رأی نبودند (قاسملو، ۲۰۰۰: ۴۵).

حتی تاریخ امرای کرد اردلان که مکرراً از سوی ناسیونالیست‌ها به عنوان عصر وحدت کردها و حکومت‌های آرمانی کرد که دارای استقلال و خودگردانی بوده‌اند، قلمداد می‌شود، مملو از کشمکش‌ها و درگیری‌هایی است که نه تنها بین یک طایفه بلکه بین اعضای یک خانواده درمی‌گرفته است. به عنوان مثال در ۱۲۳۵ ه. ق محمدحسن خان پسر امان‌الله خان اردلان از پدر روگردان شده، علم طغیان بر علیه او برمی‌دارد. تلاش، خواهش و التماس امان‌الله خان جهت به اطاعت درآوردن پسر به جایی نمی‌رسد و در منطقه روانسر کار به جنگ بین پدر و پسر می‌کشد. شیخ مردوخ کردستانی این جنگ را چیزی جز هوس‌رانی پدر و پسر نمی‌داند و می‌گوید: «این جنگ، جنگ تاریخی و قابل توجه است؛ زیرا علاوه بر اینکه سردار این دو سپاه پدر و پسر هستند، مبارزان و دلاوران طرفین نیز یا پدر و پسر، یا برادر و برادر یا عمو و عموزاده و بالاخره قوم و خویش صمیمی هستند.» (مردوخ کردستانی، ۱۳۹۵: ۳۵۰ و اردلان، ۱۳۵۶: ۹۰)

دشمنی بین رضاقلی خان اردلان و مادرش نیز نمونه‌ای دیگر از این اختلافات است. لجاجت و کدورت بین آنها مکرراً باعث ارسال عریضه، از سوی طرفین و برای تخریب طرف مقابل، به دربار قاجارها می‌شده است (سنندجی، ۱۳۷۵: ۲۲۰). به طوری که پس از دو بار عزل رضاقلی خان از حکومت کردستان به دلیل تحریک دربار توسط مادرش، بالاخره تصمیم بر آن می‌شود که بلوک اسفندآباد از کردستان مجزا گردد و مادر رضاقلی خان در آنجا اسکان داده شود (مردوخ کردستانی، ۱۳۹۵: ۳۵۹).

حتی بین دمکرات‌ها هم بر سر مذاکره با جمهوری اسلامی اختلاف عمیقی وجود داشت و این موضوع باعث انشعاب در درون حزب و تشکیل «حزب دمکرات پیروان کنگره چهارم» به سرکردگی غنی بلوریان شد. این گروه طرفدار مذاکره با جمهوری اسلامی و عدم ارتباط با رژیم

بعثی عراق بود. در مقابل آن، تشکیلات سابق حزب دمکرات ایران قرار داشت که به سرکردگی عبدالرحمن قاسملو طرفدار جنگ با جمهوری اسلامی و ارتباط با رژیم بعثی عراق بود (بلوریان، ۱۳۸۴: ۴۱۵ و قانعی فرد، ۱۳۸۵: ۱۹۰).

د. همگونی اقتصادی

گذشته از علل تاریخی، اجتماعی و دینی که برخی عشیره‌های کرد را به مخالف جمهوری کردستان تبدیل کرد، علت اصلی، عامل اقتصادی بود (قاسملو و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۵۸). بنابراین، یکی دیگر از شکاف‌های اجتماعی که مانع جدی بر سر راه اتحاد کردها ایجاد می‌کند، ناهمگونی اقتصادی در مناطق مختلف کردستان است. در جمهوری کردستان حدود یک سوم یا حتی کمتر از کل مساحت کردستان ایران تصرف شده و بسیاری از مناطق حاصلخیز آن که جمعیت بیشتری را نیز در خود جا داده بود، خارج از محدوده جمهوری باقی ماند. این مسئله تا حدود زیادی باعث تضعیف قدرت اقتصادی و انسانی جمهوری کردستان شد (شیخه لئیس‌لامی، ۱۳۹۸: ۲۶ و قاسملو، ۲۰۰۰: ۱۰۵). این مناطق که بخش جنوبی کردستان یعنی از سقز به سمت جنوب را شامل می‌شد، به جای آنکه از حکومت قاضی محمد دفاع کنند به مکانی برای تقویت جناح ضد جمهوری تبدیل شدند و ارتش ایران برای سرکوب ناسیونالیست‌ها و تصرف مناطق تحت تصرف آنها از این مناطق استفاده می‌کرد.

این مسئله از آنجا ناشی می‌شد که بخش شمالی کردستان یا کردستان مکرری با بخش جنوبی آن یا کردستان اردلان ناهمگون بوده و بافت اجتماعی متفاوتی داشت. بخش شمالی کردستان که مرکز اصلی عشایر کرد بود با بخش جنوبی آن به عنوان زیستگاه دهقانان اسکان یافته و زمینداران بزرگ و شهرنشینان، در تضاد بود و نوعی رقابت بین آنها وجود داشت. یکی از جلوه‌های بارز این رقابت را می‌توان در گرایش بخش جنوبی به سیاست حکومت مرکزی ایران و گرایش بخش شمالی به رقیب حکومت ایران یعنی عثمانی‌ها مشاهده کرد (برزویی، ۱۳۷۸: ۴۷) این وضع در جمهوری کردستان نیز مشهود بود و بخش‌های جنوبی بر علیه بخش‌های شمالی با حکومت مرکزی همکاری می‌کردند.

م. وحدت مذهبی

یکی دیگر از شکاف‌های اجتماعی که تأثیر بسزایی در رفتار سیاسی متفاوت کردها داشته، شکاف‌های مذهبی بوده است. مطالعات انجام گرفته در این حوزه حاکی از آن است که کردهای شیعه مذهب تقریباً در هیچ یک از جریان‌های ناسیونالیستی قوم کرد حضور ندارند و در شهرهای با جمعیت اکثریت شیعه کرد شامل کرمانشاه، ایلام، بیجار، قروه و شهرهایی از این قبیل، خیزش فراگیری توسط ناسیونالیست‌های کرد شکل نگرفته است (بدیعی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۱۵).

روی دیگر منازعات ایدئولوژیک در میان کردها مربوط به اسلام سیاسی و اختلاف آن با گروه‌های غیرمذهبی است. انقلاب اسلامی ایران همچون دیگر مناطق کشور، گروه‌های مذهبی را در کردستان فعال نمود. در زمان حاکمیت رژیم پهلوی، مذهب به عنوان ویژگی هویت‌بخش کردی به شمار نمی‌رفت. اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نشانه‌هایی از آگاهی مذهبی در میان کردها پدیدار شد (سراج‌زاده و دیگران، ۱۳۹۳: ۶).

علیرغم اینکه برخی از چهره‌های مذهبی کرد همچون «شیخ عزالدین حسینی» امام جمعه مهاباد، با نیروهای چپ و ناسیونالیست کرد همکاری می‌کرد (Hassaniyan, 2021: 98)، رقابت شدیدی بین نیروهای مذهبی و غیرمذهبی برای به دست آوردن جایگاه رهبری مبارزات کرد در جریان بود. به عبارت دیگر، ظهور جریان مذهبی پس از انقلاب اسلامی باعث به وجود آمدن شکاف دیگری در میان احزاب و گروه‌های کرد شد؛ شکافی که در یک سوی آن گروه‌های چپ با تمایلات غیرمذهبی قرار داشتند و در سوی دیگر آن نیروهای مذهبی با اعتقاد به اسلام سیاسی فعالیت می‌کردند.

«مکتب قرآن» به رهبری «احمد مفتی‌زاده» رهبر مذهبی سندج و سرپرست شورای انقلاب در آن شهر، از ابتدای ظهور خود در برابر نیروهای چپ موضع تهاجمی گرفت. تقاضای گروه‌های غیرمذهبی برای خودمختاری یا استقلال کامل از حکومت مرکزی جایی در ایدئولوژی گروه‌های مذهبی نداشت و به همین دلیل مفتی‌زاده با دو حزب دمکرات و کومله دارای اختلاف‌نظرهای عمیقی بود. این اختلافات از دو جنبه قابل بررسی است. اول به لحاظ ایدئولوژیک، چرا که نیروهای مذکور بعضاً مارکسیست، لنینیست یا مائوئیست بودند و گرایش‌های غیرمذهبی شدیدی داشتند. دوم در تعریف خودمختاری و شیوه دستیابی به آن. در حالی که نیروهای چپ خودمختاری را در ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی به صورت کامل و تمام‌عیار، بدون کوچک‌ترین وقفه‌ای طلب می‌-

کردند، «مکتب قرآن» با اعتقاد به خودمختاری فرهنگی (گوش، پوشش، تعلیم و تربیت، مذهب، مطبوعات و رسانه‌های جمعی دستیابی مرحله به مرحله و تدریجی آن را به منظور آمادگی دوسویه دولت مرکزی و کردها تجویز می‌کرد. مفتی‌زاده خودمختاری فرهنگی کردها را بدون تشبث به ابزارهای نظامی و تنها از طریق مذاکره و مفاهمه با رهبران انقلاب اسلامی پیگیری می‌کرد. خط سیاسی مفتی‌زاده و حزب او موسوم به «حزب مساوات اسلامی» به دلیل نگرش معتدل آنها در بحبوحه‌ی هیاهوی نیروهای چپ رادیکال محو شد (مقصودی، ۱۳۸۰: ۳۱۲). اما اخیراً با توجه به فعالیت‌های جدی حامیان اسلام بنیادگرا به ویژه از اوایل دهه ۹۰ شمسی، بار دیگر شکاف ایدئولوژیکی بین دو گروه فعال شده است.

غنی بلوریان که خود یکی از رهبران حزب دمکرات و از نیروهای چپ غیر مذهبی بود درباه احمد مفتی‌زاده می‌نویسد: «احمد مفتی‌زاده نیز که یکی از ساکنین شهر سنندج بود، تحت عنوان رهبر مسلمانان سنی تعدادی از مسلمانان متعصب سنی را دور خود جمع کرده و برای اینکه خودش را در پیش (امام) خمینی جلوه دهد، مرتباً به قم رفت و آمد می‌کرد. نامبرده می‌خواست از این طریق خود را به مردم شهر سنندج تحمیل کند. ولی کسی به او توجه نمی‌کرد؛ نه قم او را قبول داشت و نه آیت‌الله صفدری در سنندج (بلوریان، ۱۳۸۴: ۳۶۱)».

با این اوصاف، سؤالی به ذهن متبادر می‌شود و آن این که با توجه به حضور اسلام‌سیاسی در جامعه کرد از یک طرف و سکولار بودن حکومت آرمانی ناسیونالیست‌های کرد از طرف دیگر، تکلیف اقلیت‌هایی از جمله اسلام‌گرایان بنیادگرا که به وجوب تأسیس حکومت دینی معتقدند و مؤلفه‌هایی همچون زبان، قومیت، نژاد و مفاهیمی از این دست در گفتمان آنها محلی از اعراب ندارد، چه می‌شود؟

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

ناسیونالیست‌های کرد بدون توجه به واقعیت‌های جامعه کردنشین و با نگرشی آرمان‌گرایانه، به اتحاد کرد در مقابل حکومت‌های مرکزی چهارگانه معتقدند. آنها با قرار دادن احزاب و گروه‌های مختلف کرد در یک زنجیره هم‌ارزی به مفصل‌بندی گفتمان ناسیونالیسم کردی می‌پردازند. در این گفتمان «من» یا «ما»ی کرد در مقابل «او» یا «آنها»ی غیر کرد تصور می‌شود و ضدیت یا غیریتی شکل می‌گیرد

که تالی منطقی آن نمی‌تواند چیزی جز مبارزه کردها با حکومت‌های متبوع خود و تلاش برای استقلال از آنها باشد. یافته‌های پژوهش حاضر کاملاً در تضاد با این نوع نگاه است. تاریخ کردستان به ویژه در یک صد ساله اخیر شاهد اختلافات و درگیری‌های شدید بین احزاب و گروه‌های مختلف کرد بوده است؛ درگیری‌هایی که نتیجه‌ای جز توسعه‌نیافتگی کردستان به همراه نداشته است. ناسیونالیست‌های کرد بارها در گفته‌ها و نوشته‌های خود با توهم اتحاد مردم کرد علیه کشورهایی که آنها را استثمارگر تلقی می‌کنند، آرمان آزادی را تنها هدف کردها در طول سالیان دراز ذکر می‌کنند. در حالی که به این واقعیت عیان توجه ندارند که تندروری‌ها و بی‌برنامگی آنها (اگر نگوئیم قدرت‌طلبی یا زیاده‌خواهی) در پیگیری مطالبات برحق مردم کرد، علاوه بر هزینه‌های سنگین مادی و معنوی که متوجه دولت‌های ترکیه، عراق، ایران و سوریه می‌کند و مسئله کرد را به ابزاری برای سوءاستفاده قدرت‌های خارجی به منظور ضربه زدن به استقلال و تمامیت ارضی کشورهای مذکور مبدل می‌سازد، دستاوردی جز ناامنی و توسعه‌نیافتگی کردستان نداشته است. نتیجه اصلی پژوهش حاضر این است که با توجه به شکاف‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی گوناگون در بین اقوام کرد تشکیل کردستان بزرگ امری غیرممکن و نشدنی است.

فهرست منابع

منابع فارسی

۱. آرانسکی، ای.م. (۱۳۵۸). مقدمه فقه اللغه ایرانی. ترجمه کریم کشاورز تهران: پیام
۲. اردلان، خسرو بن محمد. (۱۳۵۶). «لبّ تواریخ» تواریخ «تاریخ اردلان». تهران: انتشارات کانون خانواده‌گی اردلان
۳. بدیعی ازندهای، مرجان و دیگران. (۱۳۹۲). «بنیادهای هویت سیاسی کردهای ایرانی». فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی. ۴۵ (۳). ۹۵ - ۱۲۰. doi 10.22059/JHGR.2013.35247
۴. برزویی، مجتبی. (۱۳۷۸). اوضاع سیاسی کردستان (از سال ۱۲۵۸ تا ۱۳۲۵ ه.ش). تهران: مؤسسه انتشارات فکر نو
۵. بروئین سن، مارتین. (۱۳۸۳). جامعه شناسی مردم کرد (آغا، شیخ و دولت) ساختارهای اجتماعی و سیاسی کردستان. ترجمه ابراهیم یونسی. تهران: نشر پانید
۶. بلوریان، غنی. (۱۳۸۴). ناله کوک (برگ سبز). ترجمه رضا خیری مطلق. تهران: خدمات فرهنگی رسا
۷. پسبان، نجفقلی. (۱۳۲۸). از مهاباد خونین تا کرانه‌های ارس. تهران: شرکت سهامی چاپ
۸. تاجیک، محمدرضا. (۱۳۸۳). گفتمان، یادگفتمان و سیاست. تهران: مؤسسه ی تحقیقات و توسعه ی علوم انسانی
۹. حاتمی، محمدرضا و سانیار، مکائیل. (۱۳۹۶). «همه‌پرسی اقلیم کردستان؛ منابع و تنگناهای تشکیل دولت مستقل». فصلنامه مطالعات راهبردی. ۲۰ (۲). ۱۱۱ - ۸۵
DOR 20.1001.1.17350727.1396.20.76.48
۱۰. حاکمی، محسن و حیدری پور، محمد. (۱۴۰۱). «پدیدگی یا پدیدارگی آینده؟ مطالعه عناصر آینده‌پژوهانه آراء ایمانوئل کانت». نشریه علمی آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی. ۴ (۳). ۹۳ - ۶۳
DOR 20.1001.1.17173674.1401.3.4.3.7
۱۱. حقیقت، سیدصادق. (۱۳۸۵). روش شناسی علوم سیاسی. قم: دانشگاه مفید
۱۲. زیباکلام، صادق و خلیل طهماسبی، نوذر. (۱۳۹۵). «مسائل اقلیم کردستان عراق؛ منابع و موانع استقلال». فصلنامه مطالعات خاورمیانه. ۲۳ (۴). ۹۰ - ۶۹

۱۳. سراج‌زاده، سیدحسین و دیگران. (۱۳۹۳). «مطالعه کیفی مذهب و قوم‌گرایی در میان کردهای شیعه و سنی». فصلنامه جامعه‌شناسی ایران. ۱۵(۳). ۲۹-۳. DOR ۲۰.۱۰۰۱.۱.۱۷۳۵۱۹۰۱.۱۳۹۳.۱۵.۴.۱.۴
۱۴. سنندجی، میرزاشکرالله. (۱۳۷۵). تحفه ناصری در تاریخ و جغرافیای کردستان. تهران: امیرکبیر
۱۵. شرف‌کنندی، عبدالرحمن. (بی‌تا). چیشتی مجبور. ترجمه بهزاد خوشحالی. بی‌جا: بی‌نا
۱۶. قاسملو، عبدالرحمن و دیگران. (۱۳۹۳). ملتی پژمرده و سرزمینی پاره پاره. ترجمه اتحادیه دانشجویان دمکرات کردستان ایران. اربیل: بی‌نا
۱۷. قانع‌فرد، عرفان. (۱۳۸۵). آهنگ وفا: گفت‌وگوهای تاریخی - فرهنگی کردها. بی‌جا: مؤلف
۱۸. کسرای، محمد سالار و پوزش شیرازی، علی. (۱۳۸۸). «نظریه گفت‌وگو لاکلائو و موفه ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی». در فصلنامه سیاست. ۳۹(۳). پائیز. صص ۳۳۹-۳۶۰
۱۹. کمیسیون انتشارات حزب دمکرات کردستان ایران. (۱۳۸۲). «متن کامل مصاحبه گزارشگر رادیو حزب دمکرات با ملا عبدالله حسن‌زاده». ترجمه فاروق کیخسروی. دو ماهنامه چشم‌انداز ایران. ویژه‌نامه کردستان. ۱۲۹ - ۱۰۹
۲۰. کوچیرا، کریس. (۲۰۰۸). جنبش ملی کرد و خواست استقلال. ترجمه عزیز ماملی. سلیمانیه: بی‌نا
۲۱. لطفیان کریم، ابراهیم. (۱۴۰۰). «رصد راهبردهای جنگ نرم ماهواره‌ای نظام سلطه علیه جمهوری اسلامی ایران (با تأکید بر میزان تأثیرگذاری بر نسل جوان آینده‌ساز)». فصلنامه علمی آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی. ۲(۲). ۱۹۰ - ۱۴۷
۲۲. مارش، دیوید و استوکر، جری. (۱۳۹۰). روش و نظریه در علوم سیاسی. ترجمه امیر محمد حاجی یوسفی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
۲۳. مرادبیگی، حسین (حمله‌سور). (بی‌تا). تاریخ زنده کردستان، چپ و ناسیونالیسم. نشر الکترونیکی
۲۴. مردوخ کردستانی، محمد. (۱۳۹۵). تاریخ کرد و کردستان. سنندج: نشر شوان
۲۵. مقصودی، مجتبی. (۱۳۸۰). تحولات قومی در ایران: علل و زمینه‌ها. تهران: مؤسسه مطالعات ملی
۲۶. مک داوول، دیوید. (۱۳۸۳). تاریخ معاصر کرد. ترجمه ابراهیم یونس. تهران: پانیز
۲۷. نیکونهاد، ایوب و بیوک، محسن. (۱۴۰۳). «طراحی و تصویرسازی مطلوب از «جهاد تبیین» در تقابل با پدیده جنگ شناختی مبتنی بر اندیشه‌های رهبری معظم انقلاب». نشریه علمی آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی. ۱(۵). ۳۶ - ۱۱. DOR ۲۰.۱۰۰۱.۱.۲۷۱۷۳۶۷۴.۱۴۰۳.۵.۱.۱.۳

منابع کردی

۲۸. شهر فکندی، عه بدولره حمان . (۲۰۰۱) . بو کوردستان . هه ولیر : چاپخانه ی وه زاره تی په روه رده
- ۲۹ . شیخه لئیسلامی، موحه ممه د نه مین . (۱۳۹۸) . تاریک و روون . بی جی : کوردستان
- ۳۰ . قاسملوو، عه بدولره حمان . (۲۰۰۰) . چل سال خه بات له پیناوی نازادی: کورته یه کک له میژووی حیزبی دیموکراتی کوردستانی ئیران . چاپی سهه م . بی جی: بی نا .

منابع انگلیسی

31. faleh, jabar & Mansour, renad. (2019). The kurds in a changing middle east : History, Politics and Representation. London : i.b Tauris & Co. Ltd
32. Hassaniyan, A.(2021). Kurdish Politics in Iran: Crossborder Interactions and Mobilisation since 1947. Cambridge: Cambridge university press
33. Ocalan, Abdullah. (2011). Prison writing: the pkk and the Kurdish question in the 21st century. Translated and edited by Klaus Happel. London: Transmedia publishing Ltd.

